

# تئاتر به زبان ساده

## نظری بر هنر نمایش در انگلستان

نوشته: سوزان هولدی

### ۱- مقدمه

یکی از مسائلی که همواره در حین بحث راجع به تئاتر مطرح می‌شود آن است که غالباً افراد مختلف از این واژه تعبیری متفاوت در ذهن دارند. مثلاً وقتی کسی می‌گوید: «دیشب به تئاتر رفتم»، منظور او از تئاتر، بنای تالار اجرای نمایش است. یا هنگامی که شخصی از تحصیل در رشته تئاتر صحبت می‌کند، طبعاً تمام آنچه را که به نحوی از ابتدا تا مرحله اجرای نمایش با هم ارتباط می‌یابد، در نظر دارد. جز اینها، مفاهیمی چون: حرفه، پیشه و هنر بازیگران مجموع پس‌های یک کشور یا یک موزلف - نمایش سرگذشتها، حالات و احساسات افراد و جوامع در صحنه - فن تحریر و نوشتن نمایش و ... را به تئاتر نسبت داده‌اند. جالب است که تئاتر در هر گوشه دنیا معنای ویژه‌ای دارد. حتی در کشوری چون انگلستان در اعصار و زمانهای مختلف معنای متفاوتی به آن اطلاق شده است. به همین خاطر هم ممکن است گاهی پیش بیاید در نظری که به بحث راجع به تئاتر می‌پردازند از درک گفته‌ها و نظریات بکدیگر عاجز باشند!

بنابراین پیش از ورود به مطلب، لازم است که تعریف و تصور مشترکی از واژه‌ها و اصطلاحاتی که به کار خواهیم گرفت، داشته باشیم و عباراتی را که لزوماً به آنها اشاره‌هایی می‌شود، به سادگی تعریف کنیم. آنگاه پس از بررسی و فرمها و ابعاد مختلف نمایش در انگلستان خواهیم توانست راجع به مباحث این پرسش که «مفهوم» تئاتر برای ما چیست؟ تصمیم بگیریم.

### شخصیت‌ها the people

مردمی که برای نمایش‌های نمایش به تئاتر می‌روند «تماشاگران» (Audience) و افرادی که مطابق نمایشنامه، ایفای نقش ویژه‌ای را عهده‌دار شده‌اند، «بازیگران» (Actors) نامیده می‌شوند. امروزه اغلب بازیگران دوره‌های آموزشی مخصوصی را به مدت دوالی سه سال در کالج هنرهای دراماتیک می‌گذرانند. به این افراد هنرپیشه‌های آکادمیک گفته می‌شود. معمولاً به هنگام اجرای نمایشنامه، بازیگران روی سن (Stage) و تماشاگران در تالار (Auditorium) حضور دارند.

یک تئاتر ممکن است «تراژدی» (حزن انگیز) یا «کمدی» (خنده‌دار) باشد. تراژدی (tragedy)، نمایشی بیانگر احساسات و عواطف شدید انسانی و حزن انگیز است. در حالی که یک کمدی (Comedy) بیش از هر چیز، جنبه تفریحی و سرگرم‌کنندگی دارد. ۲

از میسان آثار تراژدی، «هدا گابلر» (Hedda Gabler) و «همبلت» (Hamlet) نمونه‌های خوبی به شمار می‌آیند. شب دوازده (Twelfth Night) نیز از کمدی‌های مشهور است.

به تعداد زیادی از بازیگران در ازای کارشان، حق الزحمه پرداخت می‌شود. به این گروه، بازیگران حرفه‌ای (Professional Actors) لقب داده‌اند. از سری دیگر بازیگرانی هم هستند که تنها عشق و علاقه شخصی،

آنها را به تئاتر کشانده و تئاتر برایشان تنها حکم یک سرگرمی مطرح است این عده که دستمزدی هم نمی‌گیرند بازیگران آماتور (Amateurs) نامیده می‌شوند و اغلب اوقات حرفه پولساز دیگری دارند.

بازی در قبیله‌های سینمایی یا تلویزیونی همواره امتیازات مالی بیشتری برای بازیگران تئاتر به ارمغان می‌آورد. با این وجود برای خیلی از بازیگران پیش می‌آید که ماهها را بدون کار سپری سازند، چرا که پس از اتمام اجرای یک نمایش که در آن نقش داشته‌اند، باید در انتظار دولت بعنوان «بیمه بیکاری» به او می‌پردازد و یا از طریق یافتن مشاغل موقت مانند نظافت خانه‌ها، فروشنده‌گی و ... امورات خود را می‌گذرانند. بیشتر هنرپیشه‌ها عضو آژانس‌های کاریابی ویژه‌ای هستند. این آژانسها در مورد همه نمایش‌ها و فیلمهای جدید کسب خبر می‌کنند و سپس بازیگر را برای آزمایش می‌فرستند. هر بازیگر بخش کوچکی از یک نقش را در مقابل کارگردان و اعضای درجه اول کادر تهیه نمایش با فیلم جدید، اجرای می‌کند.

هنگامی که کارگردان و تهیه‌کننده، بازی تمام بازیگران را مشاهده کردند، راجع به اینکه کدامیک را برای کدام نقش انتخاب کنند، تصمیم می‌گیرند. مثلاً وقتی ما می‌گوییم یک بازیگر، رگ مکث را دارد، بدان معناست که قرار است او در نمایش به جای «مکتب» ظاهر شود و نقش او را بازی کند.

گاهی اوقات بازیگران مجبورند برای آنکه نقشی به آنها محول شود ۲۰ تا ۳۰ نمایش آزمایشی متفاوت اجرا کنند. دلیل این امر آنست که همواره تعداد بازیگران داوطلبان پیش از تعداد نقش‌ها و افراد مورد نیاز است. بعلاوه همه ساله بازیگران تازه‌ای دوره‌های تحصیلی خود را در کالج‌ها پرسی می‌سازند و به جستجوی کار می‌پردازند و این مشکل را در چندان می‌کنند.

خلاصه اینکه فقط کسانی به این زندگی پر مشقت ادامه می‌دهند و در تئاتر می‌مانند که واقعاً و از صمیم قلب عاشق کار خود باشند. البته فقط هنرپیشه نیستند که در تئاتر کار می‌کنند. معمولاً یک نفر در راس اجرای کار قرار دارد و کارگردان (Director) نامیده می‌شود. کارگردان تئاتر کسی است که نمایش تحت نظر او روی صحنه می‌آید. او در درجه نخست باید نمایشنامه را درک کند و آن را به خوبی برای بازیگران تفسیر نماید، سپس نقشهای هر یک را تعیین کند و برای بازی هر نقش کسی را که شایسته و متناسب است برگزیند. بعلاوه کارگردان بر طریقه بکارگیری نور، لباس، دکور و سایر وسیله‌های تئاتر نظارت دارد.

پتر بروک (Peter Brook) و جرجی گروتوفسکی (Jerzy Grotowski) از جمله کارگردانهای مشهور و برجسته به شمار می‌آیند. برخی از کارگردان‌ها شیوه بازی و بیان روی صحنه را عیناً به بازیگر دیگری می‌کنند، اما امروزه بسیاری از آنها با هنرپیشه‌ها به طور گروهی کار می‌کنند و در این روش ضمن تمرین، بهترین راههای اجرا را انتخاب می‌کنند.

شخصی که مسئول شکل ظاهری صحنه نمایش و بازیگران است، طراح (Designer) نامیده می‌شود. از جمله وظایف او، انتخاب لباسهایی است که بازیگران بنابر

نیاز نمایشنامه، روی صحنه می‌پوشند. لباس از لحاظ هنری و فنی همان اهمیت دکور را دارد و باید در مقیاس تئاتر، واقعیت (با طبیعت) را نشان دهد و با دکور و بازیگران هماهنگی کامل داشته باشد. طراح تئاتر همچنین مطابق با نیاز نمایشنامه و نظر کارگردان و سایر اعضای درجه اول کادر تهیه نمایش، طرح دکورهای نمایش و مکان‌هایی را که ماجرا در آنها می‌گذرد می‌بزد. وسایل آرایش صحنه (Scenery) را نیز او معین می‌کند.

در تئاتر کلاسیک یونان، بازیگران لباسهای خود را در یک سرا پرده مخصوص عوض می‌کردند. پس از چندی این چادرها جای خود را به اطاقک‌های چرمی پشت صحنه دادند ... و در «تئاتر الیزابتی» که در ادامه به آن اشاره می‌شود - صحنه نمایش کاملاً ساده و بدون پیرایه بود. در همین هنگام در انگلستان و برنی دیگر از کشورهای اروپایی، اول از تکنیک نقاشی که دارای مناظر و مزایا بود و سپس از مناظر خیلی اسنادانه تر جهت صحنه تئاتر و اپرا که بیش از پیش مردم پسند شده بود، استفاده به حمل می‌آمد. ولی بطور کلی امروز منظره صحنه از تعدادی بوم رنگ شده که نمایشگر حجم و جمعیت و مسافت می‌باشد مشکل می‌گردد.

این بوم‌های رنگی در گوشه‌های مخفی صحنه و یا در دستگاههای بالا و پایین بر آن نصب می‌گردد و به طرز حیرت آوری در کوناخترین مدت و به موقع جابجا می‌شوند.

شمشیر، چتر، فنجان چاپشوری و ... هر یک می‌توانند روی صحنه نمایش به کار گرفته شوند. به این نوع اشیاء روی سن، وسایل صحنه (Properties) می‌گویند. ژوزف اسبودار (Josef Svoboda) یکی از مشهورترین طراحان مدرن در تئاتر انگلستان است.

نور آرای و مراقبت از نور صحنه بر عهده طراح نور (Lighting Designer) است. پس از کشف الکتروسیسته و پیشرفت وسایل نوری، نور در تئاتر بخودی خود یکی از عوامل هنر آفرینی شد و اساس صحنه سازی را دگرگون کرد. گروهی مدعی شدند که چنانچه از نور بخوبی در تئاتر استفاده شود، نیازی به وجود دکور نخواهد بود.

گاهی اوقات بیش از ۲۰۰ نور افکن برای روشن کردن یک صحنه از نمایش بکار می‌رود. جدای از آن معمولاً حدود ۱۰۰ نور افکن به منظور تغییر نور در طول اجرای نمایش و تغییر صحنه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. شدت نور لامپها برای تامین میزان نور مورد نیاز توسط یک دستگاه تنظیم نور، کنترل می‌شود. سیستم کنترل نور مدرن از تکنیکهای کامپیوتری پیشرفته بهره می‌گیرد. این سیستم دارای یک حافظه الکترونیکی بسیار قوی است که اطلاعات مربوط به شدت نور لامپها را ذخیره می‌سازد. میزان مراقبت از نور صحنه در جایی پشت سر تماشاگران با در کنار آنها تعبیه شده است تا متصدی آن بر صحنه نمایش و بازیگران دید کامل داشته باشد.

مدیر صحنه (Stage Manager) اصطلاحی است که برای شخصی که عهده‌دار انجام کارهای روی صحنه نمایش است بکار می‌رود. او حتی باید مطمئن شود که هنرپیشگان سی و پنج دقیقه قبل از شروع اجرای نمایش به تئاتر آمده باشند. بیشتر مدیران صحنه، فهرستهای بلند بالای از وسایل صحنه، لباسهای محلی و رسمی، آدرس و



تئاتر همچون ماشینی بزرگ، دارای چرخهای فروان است. منتقدین مطبوعات، عکاسان، کارکنان و مدیران سازمانهای انتشاراتی، اساتید دانشگاهها و دانشجویان و نوازندگان همه و همه عضوی از خانواده بزرگ تئاتر هستند. همراهِ باید بخاطر داشته باشیم که تئاتر نیز به سان سایر هنرها و فنون، همبای مردم تعبیر می‌کند. بنابراین بی‌شک بی‌آنکه بخوایم درباره مردم و جوامع بحث کنیم، گفتگو از هر گونه تئاتری حاصلی برایشان به ازمدفان نمی‌آورد. مردم تئاتر را به روش معینی می‌سازند و نمایشنامه‌ها را با دیگه‌هایی خاص می‌نویسند و در هر زمان تئاتر برای آنها بازتاب، آینه‌ای است که آنچه را در اجتماع آنها می‌گذرد می‌نمایاند. وقتی نمایشنامه‌ای را می‌خوانیم بسیار مهم است که به خاطر داشته باشیم این نمایشنامه برای اجرای روی صحنه نوشته شده است نه برای آنکه آنرا پشت میز کتابخانه مطالعه کنیم. بویژه مهم است بدانیم که هیچ لزومی ندارد صحنه اجرایی آن نمایشنامه را در زمان خود، مشابه با امکانات فعلی بدانیم.

شکسپیر «مکتب» را در سال ۱۶۰۵ نوشت زیرا پادشاه جدید، جیمز اول، اسکاتلندی بود و کتابی در مورد سحر و جادو نوشته بود. به همین خاطر در کف صحنه‌ای که مکتب بر روی آن به اجرا در می‌آمد و رودهایی بسیار تعبیه شده بود تا جادوگران بتوانند پراحتی و سرعت ظاهر و ناپدید شوند.

در آن زمان تئاتر شکسپیر فاقد دستگاههای نوری الکترونیکی یا پرده‌های نقاشی شده برای نمایاندن تپه‌ها و جنگلهای اسکاتلند بود. همچنین پرده جلوی سن نداشت به همین خاطر مثلاً اگر یکی از شخصیت‌های نمایش مطابق نمایشنامه، می‌مرد بایستی در مقابل چشمان حاضران در تالار به پشت صحنه حمل می‌شد!

همچنین جایگاهی یا آرایش صحنه بوسیله صحنه‌های گردان و شکردهای دیگر در حضور تماشاگران صورت می‌گرفت.

مثل تمام نمایشهای شکسپیر، نقش بانو مکتب، توسط یک پسر اجرا می‌شد. به همین دلیل هیچگونه احساس واقعی عشق فیزیکی در نمایشهای شکسپیر وجود نداشت. نمایشنامه‌ها برای عامه مردم جذاب و سرگرم کننده بود. در میان تماشاچیان نیز از هر طبقه جامعه، افرادی حاضر بودند. موسیقی، رقص، شعر، آوازهای مردمی انگلیسی، عناصر کمیک و تراژیک و ... همه از جمله عوامل پرکشش اینگونه نمایشها به شمار می‌آمدند.

شکسپیر نمایشنامه‌های خود را بر مبنای عادات و رسوم و شرایط عصر خود می‌نوشت. بی‌شک اگر او هم اکنون در قید حیات بود شیوه کاملاً متفاوتی را برای نوشتن نمایشنامه‌های خود انتخاب می‌کرد.

کوتاه سخن اینکه جهان پیرامون ما با گذشت زمان، درنماد شیوه‌های هنر دیرین، اثر نهاده است. یکی از دلایل

کسانیکه به این منظور شبها را در تئاتر کار می‌کنند باید حقوق متناسبی پرداخت گردد!

تئاترهای حرفه‌ای (Professional Theatres) در انگلستان با تئاتر تجاری‌اند یا تئاتر وابسته به دولت، که از سوی دولت به آنها سوبسید (کمک مالی دولتی) داده می‌شود.

تئاترهای که منظور تأمین رضع مادی خود که‌کهای مسالی از دولت دریافت نمی‌کنند، تئاتر تجاری (Commercial theatres) نام گرفته‌اند. افرادی که هزینه روی صحنه بردن یک نمایش را در اینگونه تئاترها تقبل کرده‌اند امید آن دارند که این مخارج دوباره از راه فروش بلیط بازگردانده شود. برای آنکه تهیه یک نمایش مقرون به صرفه باشد معمولاً قسمتهای زیادی در آن گنجانده نمی‌شود. یک نمایش الگو برای تئاترهای تجاری به چهار بازیگر و دکوری بسیار ساده، مثلاً یک اثنای نیاز دارد. اگر نمایش در همان اوایل اجرا با توفیق مالی و استقبال مردم مواجه نشود اجرای آن بزودی متوقف می‌گردد. اما چنانچه نمایش مورد استقبال قرار گیرد و بلیط‌های فروخته شود، می‌تواند حتی سالها روی صحنه بماند و هرآید زیادی به گروه نمایش و تهیه کننده برساند. نمایش (Mousetrap) نوشته آگاتا کریستی (Agatha Christie) از سال ۱۹۵۳ در لندن روی صحنه بوده است!

تئاترهای وابسته (Subsidized Theatres) چنانچه گفته شد، برای تأمین مخارج خود از دولت کمک می‌گیرند. سوبسیدی که دولت به این تئاترها می‌پردازد فقط چند صد پوند در سال است. این مبلغ گاهی هم به چند هزار پوند می‌رسد.

تئاترهای وابسته معمولاً دارای شرکت‌های بزرگ هستند و می‌توانند نمایشها را شخصیت‌ها و صحنه‌های فراوان اجرا کنند. شرکت تئاتر ملی و شرکت تئاتر رویان شکسپیر هر دو از تئاترهای وابسته هستند. تئاتر رویان کورت در لندن نیز اینگونه است و در آن درامهای مدرن، مثلاً نمایشنامه‌های جان اوسبرون (John Osborne) و ادوارد بوند (Edward Bond) روی صحنه می‌رود.

بیشتر تئاترهای گروهی (Rep) در محدوده شهر لندن وابسته به دولت هستند و از شورای هنر شهر خود کمک مالی دریافت می‌کنند. این پول از طریق مالیاتهایی که مردم می‌پردازند تأمین می‌شود. در این تئاترها بلیط‌های نیم بها مخصوص دانش آموزان و سالخوردگان نیز فروخته می‌شود. دست اندرکاران تئاترهای فوق همچنین می‌توانند دست به کار تجربی بزنند و نمایشهایی را در مدارس، روستاهای دور افتاده و کارخانه‌ها اجرا کنند. اما همواره مشکلات مالی تئاترهای تجاری مستقل، گریبانگیر آنها هم هست.

استدراك تئاتر Understanding The Theatre

شماره‌های تلفن و ... همراهِ خود دارند. آنها می‌دانند صدای ضبط شده حرکت یک قطار از داخل تونل، نسخه‌ای از مجله نامیز سال ۱۹۳۵ یا حتی شش تختخواب بیمارستان را از کجا پیدا کنند! علامت مشخصه مدیران صحنه صاعتهای بزرگ و چهره‌های همیشه مضطرب آنهاست!

شما وقتی به تئاتر می‌روید متوجه افرادی می‌شوید که وجودشان از همان اهمیت افرادی روی صحنه برخوردار است. فروسفته بلیط نمایش، مسئول توزیع پروشور و مستعدی بوفه از این قبیلند. سالن انتظار را مدیر تاتر که معمولاً برای بدرقه تماشاگران در انتهای اجرای نمایش کنار در خروجی می‌ایستد اداره می‌کند.

تئاترها the theatres بازگران نمایش جدید با کارگردان به تمرین رله‌ها می‌پردازند. به فراخور نیاز نمایش، تمرین منکست از دو تا هشت هفته به طول بیانجامد. گاهی اوقات هزینه‌ها، کارگردان، طراح و ... تنها برای یک نمایش در کنار هم حضور دارند، ولی در برخی از موارد این گروه به صورت یک شرکت برای سازماندهی نمایشهای متعدد با یکدیگر کار می‌کنند.

آنها بمدت شش ماه تا یکسال در یک تئاتر، نمایشهای مختلفی را - هر یک در طول سه یا چهار هفته - اجرا می‌کنند. این نوعی تئاتر را گروهی (Rrp) می‌نامند. بیشتر تئاترهایی که در محدوده لندن تأسیس شده‌اند اینگونه‌اند. هر یک از این گروهها، ده، دوازده هنریشه یک کارگردان، یک دستیار کارگردان (Assistant Director)، یک متصدی سیستم نور، یک مدیر صحنه و دو یا سه نفر دستیار مدیر صحنه را شامل می‌شود.

گاهی این گروه نمایشنامه‌ای را بمدت چند روز اجرا می‌کنند، سپس نمایشنامه دیگری را به روی صحنه می‌آورند و بعد از آن نمایش اولی را اجرای مجدد می‌کنند. به این شیوه کار، سیستم نمایش‌های آماده Repertoire (System) گفته می‌شود. این روش در شرکت رویال شکسپیر و شرکت تئاتر ملی به اجرا گذارده می‌شود. بعلاوه هزینه‌ها فوق را به دلیل تنوع نقش ترجیح می‌دهند. به این ترتیب بازیگرانی که نقشهای طولانی و مهم را در یک نمایش بر عهده دارند، خواهند توانست نقشهایی کوچکتر و کم اهمیت در نمایش بعدی داشته باشند. با این حال اجرای این طرح غالباً گران تمام می‌شود. چرا که دست اندرکاران تهیه نمایشها مجبورند وسایل صحنه، دکورها و لباسهای مربوط به سه یا چهار نمایش متفاوت را در جایی نگهداری کنند. از آنجا که بیشتر تئاترهای قدیمی فاقد فضای کافی برای ایستادن، باید ساختمان دیگری کرایه شود. در این صورت وقت و هزینه بسیار زیادی برای پیمودن فاصله ایبار و محل تئاتر صرف می‌شود. فسخاً مدیر صحنه و خدمه، کسانی که صحنه را بر پا می‌کنند باید تمام شب را کار کنند تا همه چیز برای نمایش روز بعد آماده شود. مسلماً به

### ۳- تئاتر حرفه‌ای

## ATHEATRE FOR PROFESSIONAL ACTORS

در قرن شانزدهم گروه‌های کوچکی از بازیگران حرفه‌ای از طریق بردن نمایشها به حومه شهر، امرارمعاش می‌کردند. آنها در هوای باز میدابین شهرها و همچنین در مجالس طبقه اعیان کار خود را ارائه می‌دادند. در این موارد مناظر و وسایل صحنه به دلیل دشواری حمل و نقل آن، در حداقل خود جلوه می‌کرد. چیزی شبیه آنچه در نقاشی بازار مکاره دهکده، اثر «بر و گل» به تصویر در آمده است.

صحنه، حلزخم سادگی، هر وسیله‌ای را که هنرپیشه به آن نیاز داشت شامل می‌شد و در سطحی بالاتر از جمعیت قرار داشت. طوری که مردم براحتی قادر به نشانی بازیگران باشند. صحنه نمایش، دو و رودیه داشت و برای تعریف لباس‌ها و نگهداری وسایل اضافی نیز محلی در پشت آن در نظر گرفته می‌شد. تماشاگران در سه طرف هنرپیشه قرار گرفته، بسیار نزدیک به او بودند. حتی تردیانی وجود داشت که هنرپیشه‌ای به هنگام صحبت از پنجره یا دیوارهای فرعی شهر، بروی آن می‌ایستاد. همه چیز می‌توانست در چند دقیقه برچیده یا دوباره چیده شوند. برای حرفه‌ای و کار کشته‌ها وقت عین پول است!

چنانکه گفتیم بازیگران دوره گرد به صورت گروهی از جایی به جای دیگر می‌رفتند و در جشنهای مردم شرکت می‌کردند و به بازی و رقص و مسانند اینها می‌پرداختند. زمانی که هنرپیشه‌ها برای حضور در جشنها به منزل اعیان و اشراف شهر می‌رفتند، دستمزد قابل توجهی می‌گرفتند و اغلب اوقات به آنها غذا و محل خواب هم داده می‌شد. آنها معمولاً نمایش خود را پس از شام و در سالتی بزرگ اجرا می‌کردند. تصورش را بکنید که میزبان به‌مراه میهمانانش پروری سکوی کوچکی در یک سمت و دیگران در اطراف آنها نشسته‌اند. در انتهای سالن درهایی به آتشخانه باز می‌شوند. خدمتکاران در نزدیکی این درها و در کنار دیوارها ایستاده‌اند. سالن با نور آتش و شمعها روشن است. ناگهان هنرپیشه‌ای که لباس پر زرق و برق به تن دارد از یکی از رودیه‌ها بداخل می‌آید. شاید بخاطر صدای موسیقی که در این هنگام بگوش می‌رسد، مردم ساکت می‌شوند. بازیگر به طرف میزبان و مهمانهای رفته، خود و نمایشنامه را معرفی می‌کند. سایر هنرپیشه‌ها ظاهر می‌شوند و نمایش آغاز

به نمایش در می‌آید. سپس واگنهای صحنه حرکت می‌کردند و مردم صحنه دوم را می‌دیدند و ... بهمین ترتیب با آخرین واگن، آخرین صحنه در معرفی دید تماشاگران قرار می‌گرفت. گاهی اوقات اجرای یک نمایش به این روش سه روز به طول می‌انجامید. صحنه‌ها از «آفرینش جهان» آغاز و به «پایان دنیا» منتهی می‌شد. در این اوقات روال طبیعی زندگی مردم در شهر بطور کلی متوقف می‌شد! رسم بر این بود که ارباب‌ها کنار بعضی از منازل توقف می‌کردند و مردمی که در آن منازل سکونت داشتند بایستی از این بابت پولی می‌پرداختند!

نظر به اینکه هر صحنه برسئله یک صنف تهیه می‌شد و اصناف نیز بسیار ثروتمند بودند، درمیان آنها برای تهیه زیباترین واگن رقابت شدیدی وجود داشت. نمایشهای این دوره فقط مختص روایت داستانهای انجیل نبود بلکه رویدادهای آنرا بگونه‌ای به زندگی روزمره مردم ربط می‌داد. یکی از شاخصترین نمایشهای قرن پانزدهم، نمایش «دومین چوپان» بود. این نمایش شخصیتی بنام مک داشت که دزد گوسفندها بود او از چوپانهای که در خواب بودند، گوسفندی می‌دزدید. مک، گوسفند را در تختخواب همسرش پنهان می‌کرد و هنگامی که چوپانها به منزل او می‌آمدند و سراغ گوسفندشان را می‌گرفتند به آنها می‌گفت که اخیراً صاحب یک نوزاد شده‌ام! آنها هم که ظاهراً صحنه سازی مک را باور می‌کردند به او هدیه‌ای می‌دادند. البته چوپانها بزودی می‌دیدند که نوزاد نرسیده! مک همان گوسفند گمشده آنهاست! سپس صحنه به اصطیلی در شهر بیت اللحم تعبیر می‌کرد. آنگاه در آنجا همان چوپانها، در حال تقدیم هدیه‌ای به مسیح دیده می‌شدند. یکی از خصوصیات نمایشنامه‌های مربوط به قرون وسطی همین بود که بایستی صحنه اول بسیار مضحک و دومی خیلی جدی اجرا می‌شد.

تئاتر قرون وسطی محیطی کاملاً غیر حرفه‌ای داشت. به همین خاطر اغلب اوقات هر کسی می‌توانست در سازماندهی آن شرکت کند. از آنجا که این تئاتر پشتوانه مالی پر توانی داشت، لباسهای بازیگران بسیار باشکوه و گرانبه‌تر بود و مناظر نقاشی شده و وسایل صحنه روی ارباب‌ها بزرگایی تمام جلوه‌گری می‌کرد. از آنجا که این نوعی نمایشها داستانهای شاخته شده برای عموم داشت و به زبانی همه فهم بیان می‌شد تدریجاً به یک تئاتر حامیانه و محبوب بدل گردید.

آن بدون تردید، تأثیر پذیری روح جستجوگر و نوجوی آدمی و دیگری ایجاد تحول در شرایط گرداگرد ماست. به بیانی دیگر موجهای این اطلس گسترده تمام حجم آبهای کرانه‌ها را در هم آمیخته است. این دگرگونی و تحول در تمام انواع فنون، صنایع و هنرها اثر نهاده است و در تئاتر هم. هر دورانی با خود ارمغانی داشته است و هر ارمغانی با خود تجدید و تجدیدی همراه. در فصلهای بعدی کتاب، سیرری گذار و نیم نگاهی به تاریخچه تئاتر در انگلستان خواهیم داشت.

### ۲- تئاتر عامه POPULAR THEATER



نمایش انگلیسی در سرتاسر سده‌های چهاردهم و پانزدهم، که از نمایش در کلیسا سرچشمه می‌گرفت بر اساس داستانها و موضوعهای کتاب مقدس، توسط کشیشان در کلیساها به اجرا در می‌آمد. هدف از اجرای این نمایشها بیش از هر چیز آسانتر ساختن فهم انجیل برای مردم بود.

به مرور زمان صحنه‌ها این نمایشها کاملاً طولانی و پیچیده شدند. در آنها هنوز شخصیت‌هایی از کتاب مقدس وجود داشتند اما آنها درست مثل مردم زمان خود رفتار می‌کردند؛ همسر نوح پیامبر معمولاً زنی عُتق بود و شوهر و فرزندانش را آزار می‌کرد. تاجری که ادویه جات خود را به مریم مقدس می‌فروخت تمام سس خود را می‌کرد که پول خوبی بابت آنها بگیرد و ... در طول زمان چندین صحنه کنار یکدیگر واقع شدند تا اینکه یک نمایش شکل گرفته، در معرض دید عموم نهاده شود. تعداد شخصیت‌های نمایش بیش از آن بود که خود کشیشان بتوانند به تنهایی از عهده اجرای همه نقشها برآیند. به این ترتیب از همان زمان برخی از مردم هادی نیز در صحنه نمایش ظاهر شدند.

اغلب اینگونه نمایشها توسط اصناف ثروتمند شهر، مثل ماهی فروشان و قصابها ترتیب داده می‌شد. هر یک از صنف عهده دار یک صحنه بشخص خود بود. تهیه لباسها و صحنه‌آرایی منظره‌های صحنه نمایش در طی ماههای فعلی زمستان صورت می‌گرفت. این نمایشها را در روز رستاخیز مسیح (Corpus christiday) که یک حید مذهبی و تعطیل رسمی بود در هوای آزاد و بر روی ارباب‌ها یا پنجه‌ها که در شهرهایی مانند پورک، چستر و کاونتری (COUENTRY) می‌گرداندند، اجرا می‌کردند. مردم در چند نقطه شهر جمع می‌کردند.

اولین صحنه نمایش در جلو اولین گروه از تماشاگران



آرشیستک سلطنتی اینیگو جونز (Tnigo Jones) بود که به ایتالیا سفر کرده و دکوراسیون مجلل دربار آنجا را دیده بود. او فن پرسپکتیو- مناظر و مرایا- استفاده می کرد و همین، بزرگنمایی صحنه ها را باعث می شد. دکور و مناظر او شامل یخشهایی متحرک بود که می توانست بطور سحر آمیزی در مقابل چشم تماشاگران تغییر شکل دهد. مکتبم این کار بسیار پیچیده بود زیرا از کوهها را به قصرابرها را به پرندگان تبدیل می کرد. به همین دلیل هم درباریان عاشق طرحهای جونز بودند. ولی در نهایت جانسون با او اختلاف پیدا کرد زیرا معتقد بود که اهمیت دکوراسیون و طرحهای او بیشتر از شعرهای او شده است!

این بالماسکه های درباری به دو دلیل برای موجودیت تئاتر حرفه ای اهمیت داشت. یکی اینکه آنها بروی نمایشنامه هایی که برای تئاترهای همومی نوشته می شد، تأثیر می گذاشت. بازیگران حرفه ای نمایشهای خود را هم در دربار و هم در تئاترهای سرباز همومی اجرا می کردند و درباریان حلاقه داشتند بالماسکه ها را در نمایشها ببینند. به همین دلیل هنگامی که در سال ۱۶۱۲، شکسپیر «طوفان» را برای همومی الیزابت دختر جیمز اول، به رشته تحریر در آورد در آن یک بالماسکه نیز جای داد.

دلیل دوم اهمیت بالماسکه ها، آن بود که بروی آرایش صحنه نمایش و معماری تئاتر برای سیصد سال بعد نیز مؤثر واقع شد. در سال ۱۶۴۲ تئاترهای همومی توسط الیور کرامون (Oliver Cramwell) تعطیل گردید. اما وقتی در سال ۱۶۶۰ چارلز دوم بازگشت، به تئاترها اجازه بازگشایی داد. در نتیجه ساختمانهای جدیدی لازم بود. دکور و تئاتر فعال بودند و سرکیستوفر (Sir Christopher Wren) که معبد سنت پل را طراحی کرده بود، برای هر دوی آنها تئاتری ساخت. هر دو تئاتر، سرپوشیده و دارای صحنه هایی با دکور و مناظر مشرک بودند که در مقابل چشم تماشاگران، تغییر شکل می یافت و مکانی که برای تغییر صحنه استفاده می شد در پشت «طاق» پیش صحنه قرار داشت. در آن زمان نیز مرد و زن در اجرای نمایشها شرکت داشتند.

از یان لحاظ تئاترهای همومی جدید شبیه بالماسکه ها بودند با این تفاوت که مناظر و لباسهایی که در آنها استفاده می شد به گرانی تئاتر سلطنتی نبود.

گروه های حرفه ای هیچگاه به اندازه آماتورهای ثروتمند سرمایه نداشتند. در حقیقت نمایشنامه هایی که برای اینگونه تئاترها نوشته می شد نقش سنگینی نداشت. زیرا آنها در مورد شخصیتها بود که ممکن بود کاملاً به تماشاگران حاضر در تالار شباهت داشته باشند. ماجراهای این نمایشها در فئود خانه ها، اتاق نشیمن و باغچه ها و نظایر آنها اتفاق می افتاد و یک منظره می توانست برای نمایشهای متعدد بکار گرفته شود. هنرپیشه ها هم از همان لباسهایی که در ستان ثروتمندان به ایشان داده بودند استفاده می کردند. این نوع تئاتر فقط از دو نظر به تئاتر دوره الیزابت شباهت داشت: صحنه بزرگ و درهایی که بروی آن گشوده می شد. در تئاترهای دوره الیزابت، این درها در دیوار پشت صحنه قرار داشتند ولی در دوران نوسازی تئاترها، دو یا سه ورودیه در هر طرف صحنه در نظر گرفته شد. تئاترها اغلب دارای از و بالکن بودند. هنرپیشه ها از اطراف صحنه وارد آن می شدند. آنها هیچگاه به پشت صحنه که مناظر در آنها طراحی می شده بود، نمی رفتند زیرا نقاشی ها طوری بود که مثلاً درخت ها کوتاه و کوسناختر می شدند. بنابراین اگر هنرپیشه ای به عقب صحنه می رفت، درخت فقط تا کمر او می رسید!

تماچیان به این خاطر به تئاتر می رفتند که در مورد ثروتمندان و افراد خوشبخت نمایش ببینند. این نمایشنامه ها نمایانگر دنیای ایدلگی بود که در آن همه چیز، خوب، دوست داشتنی و شیک و سرگرم کننده بود. ولی این تنها دلیل جذب مردم به تئاتر نبود. خیلیها برای شنیدن شایعات و دیدن دوستان و آشنایان به تئاتر می رفتند. ساموئل پیپس (Sanuel Pepjs) در دفتر خاطرات خود در مورد چند تئاتر که دیده و اظهاراتی که نموده است. مشهورترین آنها ملاقات دوستانش در میان تماشاگران تئاتر و تماشا نمایش هنرپیشه های خوش اندام و زیبا بر صحنه نمایش بوده است.

با توجه به مبالغ وروده ها به آسانی می شود فهمید که در آن زمان از تمام اقدار جامعه، چه فقیر و چه ثروتمند به تماشای نمایشها می رفتند. یکی از دلایلی که مشهور لان شهرداری لندن به تاتر علاقه ای نداشتند این بود که مغازه داراهای جوان کار خود را رها کرده و برای تماشای نمایش به تماشاخانه ها رفتند! در این میان باوجودیکه تاتر شکسپیر یک تاتر حرفه ای بود، در بین عامه مردم طرفداران بسیاری داشت.

#### ۴-تئاتر سلطنتی و تئاتر متداول ROYAL THEATRE AND FASHIONABLE THEATRE

درباریان انگلیس هم مثل سایر همنایان خود در دیگر کشورهای اروپایی، با حضور در نمایشها خود را سرگرم می کردند.

اینگونه نمایشها معمولاً شامل رقص و موسیقی و شص خوانی بود و در آنها بازیگران لباسهای نفیس و با شکر می پوشیدند. در فاصله سالهای ۱۶۰۳ تا ۱۶۳۹ در دربار جیمز اول و پسرش چارلی اول تدارک این نمایشها با وسوس و دقت تمام صورت می گرفت. این آبرای درباری بالماسکه نامیده شد. بازیگران آن نقاب بر چهره می زدند و داستان غیر واقعی آن تنها بهانه ای بود برای نشان دادن دکور زیبا و لباسهای گرانبهاتر و سرودن اشعاری در مدح پادشاه و میهمانانش. ماسکها دو نوع بودند. ماسک مصنوعی یا هماننقاب که قبل از نمایش با در نظر گرفتن خصوصیات پرسوناژ تهیه می شد و بازیگر آن را روی صورت خود قرار می داد و ماسک طبیعی که آترا با گرم ایجاد می کردند. به این معنی که خطوط چهره را به وسیله رنگهای مختلف آطور که باید نشان می دادند.

معمولاً بالماسکه با رقص جادوگران و یا خمردان وحشی روی صحنه آغاز می شد و بعد یک کشتی یا قصر سه بعدی ظاهر می شد که مردانی خوش اندام و زنانی زیبا در آن دیده می شدند یکی از آنها سفنای در مدح پادشاه می گفت و آنها را به خدایان یونان قدیم که همه خوب، دانا و زیبا روی بودند، تشبیه می کردند. آنگاه هنرپیشه ها به رقص و آواز می پرداختند و به میان جمعیت می آمدند و با ماهرترین افراد حاضر در جشن می رقصیدند و دوباره بروی سن بازگشت. آوازهایی دیگر می خواندند. سپس برابرها سوار می شدند و به تدریج بالا رفته، ناپدید می گشتند.

این بالماسکه ها توسط مشهورترین نویسندگان وقت نظیر توماس دکر (Thomas Dekker) و بن جانسون (Ben Jonson) نوشته می شد. طراح صحنه معمراً

می گردد. نمایش کوتاه ای است که فقط بدت یک ساعت بطول می انجامد و بیش از ۵ یا ۶ پرسناژ ندارد. این نمایش که سبک آن خیلی سنی و قرار دای و مخصوص اشراف بود، بیشتر به یک آبرای تشریفاتی با مقیاس کوچک شباهت داشت و شامل رقص و آواز و نظیر آنها بود.

در سال ۱۵۷۶ سرپرست یک گروه از بازیگران مصمم شد که براین نخستین بار تماشاخانه ای در لندن بنا کند. این اولین تئاتر تجاری ثابت دائمی در اروپا به شمار می رفت و ساساً از همان زمان بود که «تاتر» نامیده شد. قدر مسلم می توان حدس زد که این تئاتر با ترفیق مواجه شد، زیرا در طول چهل سال پس از تأسیس آن، شش تئاتر دیگر در لندن ساخته شدند و شروع به فعالیت کردند. فصل کار تئاترها بسیار بود. مردم در تابستان از ابتلا به بسیاری طاعون که در برای گرم و بریزه مکان های شلوغ براحتی سراپت می کند- احمه داشتند. به همین خاطر هنرپیشه ها در این فصل جراهای خود را در حومه شهر و باشرکت در جشن ها ادامه می دادند. آنها همچنین نمایش هایی را در دربار انگلستان و حضور ملکه الیزابت اول و جیمز اول اجرا می کردند که بسیار مورد توجه آنها قرار می گرفت. تصیری از این نمایشها در اختیار است که تاتر قبر تام دارد و توسط یک وریست هلندی که در سال ۱۹۵۶ از لندن دیدن کرده، رسیم شده است. با توجه به آن تصویر می بینیم که

تماشاگران در سه طرف سن قرار می گرفته اند یعنی دوست تشبیه نمایشهایی که در دهکده یا مجالس اجرا می شد. بزودی صحنه در عقب آن قرار گرفته و بازیگران نمایش می توانستند از سمت راست به جلوی صحنه آمده مستقیماً با مردمی که در سه طرف آنها نشسته یا ایستاده اند صحبت کنند. بسیاری از این بازیگران حرفه ای، تاجر خوبی هم بودند. زیرا هنرپیشه های ارشد از ساختمان تئاتر هم سهم می خریدند. مثلاً شکسپیر در تاتر گلوب (Globe) سهم بود و هواید خوبی نیز از این راه نصیب او شد. شکسپیر توانست از این طریق پول کافی برای خرید ویلاهای در سترافورد (Stratford) بدست آورد. با مثلاً زمانی هم دارد آگن (Edward Alleyn) در گذشت، آنتندر پول باقی گذاشت که با استفاده از آن یک مدرسه بزرگ ساخته شد.

قسمت تماشاگران به قسمت های ارزان و گران تقسیم می شد. یا یک پی می شد در محوطه دور می ایستاد. چنانکه می خواستید روی نمکت لژ بالا بنشینید باید یک پی دیگر پرداخت می کردید. یا پی سوم شما یک بالش هم داشتید و گر پول بیشتری پرداخت می کردید می توانستید در یکی از طاقتکهای مخصوص ایجاب بنشینید. شما حتی با دوازده پی جاره داشتید که برای تماشای نمایش به روی صحنه بروید!